یکی مولود بود در آن روز که خلق فلان را در فلان شهر کرده است در آن ساعت که صورت مستی موجود بود یا موجود نبود حلال نباشد و اگر
باستخوان پاپاک فرزند یک حصه از حلال سیر کرده باشد و بعد از آن بعد از آن بیرون رفت فلان کرد از تعلیق حرام است و سنت است که زود بزند
و لا در ابتدا تمام رحلق بن از دو دی کشد و بعضی گفته هر چه بعد از دو فراد از دو آن حیوان مذبوح است که بقبله بود و بعضی جای که گردن
و بعضی که گردن مستحب است و وقت کشتن و بسم الله الرحمن الرحیم و اگر خواهد بسم الله الرحمن الرحیم و الله اکبر بگوید و اگر بگوید
حرام بود و در ابتدا که گوید بسم الله الرحمن الرحیم یا بسم الله و الله اکبر یا بسم الله محمد یا بسم الله محمد رسول الله یا بسم الله محمد
فرزند یا آن حیوان را جاری جوی آب و بسم الله و تعظیم و تعظیم اعتقاد کند که کشنده و عمل او نیاید و فعل او کند بود و بعضی حیوان را که ذبح کرده باشد
وجه تعظیم و عبادت اعتقاد از بهر دیگر حیوان ذبح کند بر وجه تعظیم و عبادت بلا از بهر آن که ذبح کند بر وجه تعظیم کافر است یا از بهر رسول که فرمود
سنت و خدا است که کرده باشد و ذبح او در حلقه و بعضی گفته اگر در وقت قدوم سلطان حیوانی ذبح کند بر سبیل استبشار بقدوم و آن ذبیحه حرام
نباشد و بعضی گفته هر چه ذبح کرده باشد از بهر قدوم آن شخص که کرده باشد اعتبار و قصد تعظیم و عبادت کرده بود و بعضی حیوان را که ملک سیر بر علی
سر او مرض و علت کند و بر سر آن زن و کند و عضوی از اعضا او را بر دو بجای دیگر شل کند تا وی تمام معاف کند از آن زن و
و اولیه آن که دیل یک بیت بیدار بر فرد و عدد اعوانا بند و پس او کشتن آن بر دو عرضه کند که او را بر دو بیز کند و بعضی نهاد بعضی از آب سیاه کشند
و جوف و نان کشت و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم مکان اکبر فتبل قد بسم الله کند و بسم الله الله اکبر الله اکبر الله اکبر

فرع

جون و نان ندهد عوض مبارک و نهاد کشتن بر آن کشتن و بخورد و نزد آن بر بلها مار و اما است که دین ادا و مبارک اگر کند و نه آب
است که از قربان نظر عجز بر بنده دهد و نیکو نزد آن باشد که عجز بر نصرة دهد و بگوید خدا بر خدا بجای نماند و بگوید ملک از آن دهد
دود اگر خدا کند و عجز از آن بعد دهد و اگر قربان نه کشته بود و انها شد که از اجاجیز خود و یک عجز بعد دهد و بر دو و نان
بعد دهد و بار خانه خود بیان آن استماع کرد بدان که اگر مرغ یا بوستر ساند **فصل** بیان عقیقه سنت است و مستحب است در روز
هفتم از روز دهد و اگر بسلی از روز چهارم بدهد روا باشد و اگر بعد عقیقه کند و حقوق نشود و یک وقت عقیقه روا است که عاجز نکند تا نوبت بدیگر
و اگر عاجز کند تا نوبت بدیگر حکم عقیقه از بهر ولد ساقط شود و ولد عجز بر قیمت باداد و عقیقه بعضی بر پشت ناداد و اگر و لیکن مستحب است که عقیقه
نفس خود بدهد زیرا که پیغمبر صلی الله علیه و سلم بعد از سنت عقیقه نفس خود بر پشت ناداد و عقیقه ولد کرد و هر که نفقه آن و ولد بر وی باشد و اگر مال
طفل نه عقیقه اگر کسی نفقه طفل بر وی است عاجز بود از عقیقه و اگر و بر آن نفقه و آن مرد بر شود و مستحب باشد که بدهد و اگر بعد از آن نفقه بر وی
و بعد از مردن آن مرد بر شود عقیقه بعضی گفته که و اگر یک الانام سنت باشد باشد و سال تمام سنت و مرد ملک است از عقیقه
کاملان و ثابت بلا مبارک روز هفتم سنت عقیقه کند و مستحب نیست که گوشت و پیه خالی بدهد و اگر بعد بلکه بر دو و اولیه آن آن بیشتر
بزد و اگر سر شل بود کل احد مبارک و مستحب است استخوان ها و وی را نشکند بلکه بیندازد ها را جدا کند تا مادام که ملک موجود اگر شکند کل احد سوخته و فا
صلاح است که گوشت عقیقه و خوردن و پیدا بر فقرا و اما اگر بصدقه نسازد از آن گرد و هم و اطعام دادن و اگر و هر من الحق اند تا آن
بجز از آن که بنا باشد و عقیقه چون و لد بر پیه بود و اگر سفید بود و اگر حادثه بود چگونه سفید و اگر ادیر آرد و لد بر پیه بنگرد سفید و هفتم اصل

Copyright © Boston University

سنت بنا دهاصل کرده و مستحب است که عقیقه را در روز هفتم ذبح کند و بعد از بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر الله اکبر الله اکبر و مستحب است که و لد را در
روز هفتم نام بر نهند و اگر پیش از آن نهند که نیکو بود و اگر و لد را در آن شهر ها و زیاده و یا پیش از آن نام نهاد نام پدر و یا نام مادر بر نهند
و یا نام که او را و لا و نام بنده نهند و نام بد نهاد که نیکو نیست و مستحب است که مرد و لد را بعد از ذبح عقیقه بتراشد و زن آن موی در بصدقه دهد
و یک دینار زر و مستحب است که جون و لد را طاهر جز که جو مانگ خار و گوش راست و دهند و قامه و گوش چپ بگوید نیاز اعید ها
یکی و زن تمام بر شبط از رحم و الله و زن هاب و بر یکی ما الله و اگر بنا شد سر زن یکی مستحب است که نام مقید را بقابله بدهند و لقب

کتاب الاطعمة

بدان که حرام و حلال آن حلال و حرام مولد شود و حرام است و سه گونه است که کشتن و هر چه مسخ کند و هر چه مسخ کند و هر چه
حرام و هر چه میت است حلال و حرام مولد شود و حرام است و سه گونه است که کشتن و هر چه مسخ کند و هر چه مسخ کند و هر چه
مرگ و بلک خر سر و تیر و بر زنبه و قیل و بر حرام است و اسب و خر و بعضی حلال است و از مرغان که زاد و شاهین و کرکس و حمل و خرم و آن حرام
است و سه سر آن و دو و کفتار و زد باد و فلوس و موش و صنی بعضی خر زد و زد و جاله و خار است تن که و کبک و سمور و سنجاب و دنگ
و قنه و هوا صر و هدهد است و شغال و کرم و صنی و ابی حرام است و مار و کرم و موش و سیه کلاغ و دزد و بعضی موش جوز و آن نوع
استان آله و نبات و آن نجی استعلم سپید یکی از بر و نیز ماهی گیر و استخوان زند و سیاه کلاغ بزرگ حرام است و ملاخ سیاه که جرک
و الله تاک گویند و در آب غلط شد و گاه بود که مقدار کرد و بای وی سرخ بود و نیز بعضی دیگر از آن خاک بر کوه بود و این هر دو حلال
است بکلو بر سر که هر هر و مرد و خفاش بعضی شبه و الوکه حرام است و مرغی است سبز سبز و سبز و منقار بزرگ و کوکه
بر و بجه مثل خار است و در آب فتاد و ها باشد و بجنگ و مرغان که جرک اعتقد کند و مردم اعتقاد بر نهند و جیزی بر وی نهند
نباید و اما اطعمه که نیز سبب سبزی بشد و اهل نیز کوید بر اسب خنده و نگرنا دکی لا الموت و قال ذکره ابو حاتم و ذکر ابو حاتم و ذکر بالا
و اما و ماهی جرا طوی است حلال است سر قرب و دکر و کبوتر و شتر و سنگ خوان و زرج و معوه و اه بخش کوچک است مرغ و جاو و بخش
و ابیاض و مرغ و مرغ خانگی و کلک و کلک بخم جنه و کلاسه حلال است و طوطی و طاوس و به و کلک حرام است و مرغ از خون نبط و ا
ورد و اسلاب آب نظر رنگ و شکل باشد حلال است حکم الرک و بقا که جنانکه پیش از ذکر کرده شد و بعضی از آن که آب از اهل کل می کند بر
و کرده اند و آن است که معیت ای مرا بر و وجود از آب بر بد و نیز و لم عیش نباشد یعنی که در آب بود یعنی اهی مرا مغاک
آن را بانی ذبح حقیقی است عفو کند باشد و حق و مرغ بود بسبب از آب و حق اهل صور خالق بود و هوا بر صور و ملاهی بود و نظیر آن
در خشک حلال بود و جون ملا و کر سفید از و حق بود و حق سگ و حق و ادمی آن آب آب عجز صد بود **گونه دوم** است معیت
و ذی در آب و خشک یکی آب بود جون ماهی آب و بر و حق و هر چیز که امثال آن و آب نوع حرام است مگر مرغ آن جنانکه خاک رفت و
مغاک که حرام است و هر چیز آن که نصف بکلی باحرام و ذی وارد نباشد یعنی با عرب کشتی در دهها و دیهها است که باشد
نه باطن آن که در دیهها است که باشد و هر چه نزد و از دهن مرد و از دار جنس تا ذکر کشتی و نیز نکرد و آن از هایه که سر هاو و دیهها
کشت و آن آن عیان را با کشمر غله بلید یا و پر انام جیوانی حلال بود و اگر آن بلید شمرند یا انام حیوانی حرام خوانند

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)